

«باب دیلن» در مراسم نوبل

شرکت نمی‌کند

باب دیلن، برنده حاشیه‌ساز نوبل ادبیات ۲۰۱۶، در نامه‌ای خطاب به آکادمی سوئدی نوشت که تعهدات دیگر مانع از حضور او در مراسم دریافت جایزه نوبل می‌شود. در این نامه همچنین آمده است که این خواننده آمریکایی به‌طور باورنکردنی به کسب جایزه نوبل افتخار می‌کند.



اتفاق روز

دومین جایزه ادبی هنری «سیلک» برگزار شد

سی‌وسه پل، چهارونیم اکتاو

تروه ادب و هنر جایزه‌های ادبی در بخش خصوصی در زمانی که رونق داشتند، به جریانی تاثیرگذار تبدیل شده بودند و کثرت آنها باعث دیده شدن و معرفی و خوانده شدن آثار تالیفی شده بود. اما این جایزه‌ها در دولت قبل با موانعی روبه‌رو و یکی پس از دیگری متوقف شدند. در دولت جدید اما دولت مصمم شد تا اگر این بخش را حمایت نمی‌کند، لااقل در شکل گیری و برگزاری مراسم آن سنگ‌اندازی نکند.

با این تدبیر تازه بود که جایزه‌های خصوصی دوباره در کنار جایزه‌های دولتی مورد توجه قرار گرفتند. یکی از این جایزه‌های نوپا جایزه ادبی سیلک است که از سوی یک ناشر بخش خصوصی در کاشان ایده راه‌اندازی آن مطرح شده است و امسال برای دومین دوره با دبیری دکتر منیر عسگرزاد از استادان ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد. اختتامیه این جایزه همزمان با هفته کتاب و در روز کتابگردی در سرای تاریخی عامری‌ها با حضور همایون امیرزاده مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. کاشانی‌ها درصدد هستند شهرشان را به‌عنوان پایتخت کتاب برای سال آینده معرفی کنند. سفر مشاور وزیر در هفته کتابخوانی نیز به منظور ارزیابی از توانایی کاشان برای انتخاب پایتخت کتاب است. این شهر در حال حاضر یکی از کاندیداهای پایتخت شهر کتاب است. نکته جالب اینکه امسال ساروبک برترین کاتافروشی در سراسر کشور انتخاب شد. برگزاری جایزه ادبی سیلک همزمان با هفته کتاب نیز به‌منظور نمایش بخشی از توانایی اجرایی این شهر بود.

منیر عسگرزاد دبیر ادبی این جایزه با اشاره به استقبال خوبی که از دور دوم جایزه سیلک شده است در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «امسال نیز در دو حوزه شعر و داستان آثار منتشر شده در سال ۱۳۹۴ را داوری کردیم. با فراخوانی که داده شد، ۷۰ مجموعه داستان و ۹۰ مجموعه شعر منتشر شده در سال ۱۳۹۴ به دبیرخانه این جایزه ارسال شد که این آثار مورد داوری قرار گرفت. خوشبختانه امسال نسبت به دور اول، کیفیت آثار ارسالی هم رشد خوبی را نشان می‌داد.»

این استاد دانشگاه آزاد اسلامی و ناشر در ادامه به «فرهیختگان» گفت: «موسسه فرهنگی - هنری حوض فیروزه از پارسال تصمیم گرفت در جهت رونق دادن به آثار تالیفی در حوزه شعر و داستان جایزه‌ای را برگزار کند. در این راه با مشکلات زیادی روبه‌رو بودیم که مهم‌ترین آن تأمین مالی جایزه بود و امیدواریم بتوانیم در سال‌های آتی این حرکت مستقل ادبی را تقویت کنیم. در این دوره مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب را نیز داشتیم که امیدواریم منجر به حمایت از آثار برگزیده و دیده شدن آن شود.» به گزارش «فرهیختگان» از میان مجموعه داستان‌های منتشر شده در سال ۱۳۹۴ با داوری محمد کشاورز، حسن محمودی و امیرعباس مهندس آثار زیر به ترتیب حائز رتبه شدند: «سی و سه پل، چهارونیم اکتاو» نوشته سلمان باهنراز انتشارات نگاه، «نوبت سگ‌ها» نوشته سیروس چیت‌ساز از نشر مرکز و «ملاقات با خانم دولبور» نوشته بهزاد باباخانی از نشر افق. بنابر این گزارش در زمینه شعر کتاب‌های زیر به ترتیب مقام آوردند: «باد نامت را از لبانم ربوده است» سروده مریم اخترکایوان از انتشارات شاسوسا، «به دام انداختن نور در دو پرده» سروده میلاد کامیابیان از انتشارات بوتیمار و «تنهایی خانم این خانه است» سروده آریا معصومی از انتشارات ماه باران.

«ناموس» به جانبازان شیمیایی

تقدیم شد

بهنام صفوی تازه‌ترین قطعه موسیقایی خود را با نام «ناموس» به جانبازان شیمیایی تقدیم کرد. در این قطعه موسیقایی سیدمحمد کاظمی ترانه‌سرا، غلامرضا صادقی تنظیم‌کننده به‌عنوان عوامل اجرایی حضور دارند. این خواننده پیش از این نیز قطعه «طاقت ندارم» را با موضوع دفاع مقدس در فضای مجازی منتشر کرده بود.



گفت‌وگو با صالح تسبیحی به بهانه نمایشگاه «کارسینوما»

برانگیختن حس همدردی



صالح تسبیحی

این روزها سرطانی‌سایه‌اش را بر زندگی خیلی‌ها انداخته است و هنرمندان نیز به این معضل واکنش‌های متعددی داشته‌اند. تازه‌ترین واکنش در عرصه هنری‌های تجسمی

مربوط به نمایشگاه «کارسینوما» صالح تسبیحی در برساره این نمایشگاه به «فرهیختگان» می‌گوید: «زاویه نگاه من، زاویه نگاه مریض نیست، بلکه زاویه نگاه هم‌پا یا همراه مریض است.» گفت‌وگوی «فرهیختگان» با این هنرمند و عکاس در ادامه می‌خوانید.

طرح اولیه کار به چه صورت شکل گرفت ؟

طرح اولیه شخصی‌ناداشتم، در تمام دورانی که در کنار یک بیمار سرطانی بودم به‌عنوان یک ناظر بی‌برونی، با موبایل یادوربین‌های کوچک، از موقعیت‌هایی که یک آدم درد دارد تصویر و اطلاعات جمع‌آوری کردم. از یک طرف، یک‌روحیه‌روان‌شناختی در من و خیلی از کسانی که اهل هنر هستند حاکم است که به وسیله عکس گرفتن و طراحی و نقاشی کردن خودمان را تسلی می‌دهیم. وقتی می‌بینید یک زن جوانی داشته‌برای خودش با موهایی بلند و حال خوب راه می‌رفته که یک دفعه با موقعیتی روبه‌رو می‌شود که موهایش می‌ریزد و رنجور می‌شود، طبعاً ناراحت می‌شوید. این اتفاقات که می‌افتد آنقدر به

لحاظ تماشای اولیه دردناک است که من تماشا می‌اینها را به وسیله دوربین و حتی دوربین موبایل ثبت می‌کردم. فقط برای اینکه از ذهنم خارج‌شان کنم. در نتیجه طرح اولیه‌ای به معنای رایج، اصلاً وجود نداشت. بنابراین از همین اول با یک روند معمول پیش‌نرفتم که مثلاً طرحی دارم و پیش‌می‌روم و به یک پروژه‌ای می‌رسم. از طرف دیگر معتقدم که هنر مثل زندگی است ما هنرمند پاره‌وقت یا پاره‌هنرمند نداریم! وقتی من دست به ابزار و اشیای وسایل هنری می‌زدم ناخواسته می‌رفتم به سمت آن نکته‌ای که در زندگی شخصی‌بان درگیر بودم. می‌رفتم و تبدیل به ابزار هنری می‌کردم... مقدار زیادی هم نقاشی و طراحی انجام داده‌ام که در این نمایشگاه ارائه‌نداده‌ام.

چطور اینها را در گالری ارائه دادید؟

با خود فکر کردم و گفتم چرا ما عادت داریم گالری که می‌رویم بعد می‌اییم بیرون و می‌رویم شام می‌خوریم و بعدش هم خدا حافظ و می‌رویم خانه. چرا وقتی ما گالری می‌رویم از موهاب عمیق بشری که در هنرهای مختلف برای ما هست حرف نمی‌زنیم که همدردی برانگیز باشد؟ کارکرد فراموش‌شده هنر یعنی برانگیختن همدردی دیگران. متأسفانه در هنر معاصر ایران این مسأله را فراموش کرده‌ایم. ممکن است تک کار یا دو تا کار درست کرده باشند در آن موقعیت ناراحتی که بوده‌اند اما تماشای رنجی که خودش دارد به‌عنوان پروژه نگاهش نکند معمولاً نداشتیم. دوستان من این رنج را داشتند که خودشان هنرمندان خیلی خوبی هم بودند و درگیر

مریضی‌شان بودند و تا آخرین لحظه ما در هنرشان این را ندیدیم که بازتاب پیدا کند.

هدف واقعی‌تان از این نمایشگاه چه بوده است؟ یک سال پیش فکر کردم این خرده‌ریزهایی که دارم درست می‌کنم تبدیل به یک پروژه مستقل شود به قصد همدردی آدم‌ها. در نتیجه برای من هدف مالی (درآوردن پول از این پروژه) و هدف اعتباری (مثلاً به‌عنوان آرتیست جوان بیایم یک قدم بردارم و همه بگویند اوه) مطرح نبوده، هدف واقعی من برانگیختن حس همدردی بوده است. زاویه نگاه من، زاویه نگاه مریض نیست، بلکه زاویه نگاه هم‌پا یا همراه مریض است. باین حال، سوژه، که یک شخص مبتلا بوده است، در تمام مراحل کار همراه بود و شوق عجیبی به عکس هنر نشان داد. او با خلاقیت و زبان هنر موافق بود و همراهی زیادی کرد. با این حال آن چیزهایی که او می‌بیند من نمی‌بینم و چیزهایی را که من می‌بینم او متوجه نمی‌شود از همدیگر تفکیک کردم. در اینجا شما از زاویه نگاه او چیزی نمی‌بینید. مثلاً ابزار بیمارستان و ناراحتی‌هایش و... هیچ چیزی نمی‌بینید. مهم این است که یک انسان مثل هزاران انسان از سراسر رنج کشیده است و من سعی کرده‌ام این رنج را بازتاب دهم.

از بین کارهایی که داشتید فقط چند اثر در این نمایشگاه موجود است، انتخاب‌تان بر چه اساسی بود ؟

انتخاب‌بر من این اساس بوده که هنرم را بتراشیم تا برسیم به یک مفهوم لخت و عریان خالص که

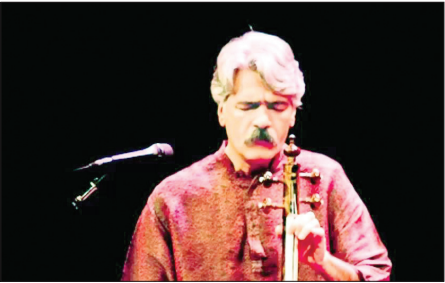
زائده گویی و زیاده‌گویی نداشته باشم. چند فیلتر برای خودم گذاشته‌ام؛ ۱- کار من مستند اجتماعی نباشد. ۲- تمرکز زاروی شخص و ویژگی‌های فردی اونگذازم. ۳- از زاویه بیمار به موضوع نگاه نکنم. ۴- رویکرد فرمالیستی و رویکرد نگاه به اشیاء و متریال هنری رایک مقدار بازتر کنم به دلیل اینکه مدیای من هنری است در گالری. ۵- سابقه تاریخ هنری شخصی من این جوری است که من مرور از سه تا پروژه اصلی به این طرف اساساً خلاصه‌گو شده‌ام. به‌خاطر اینکه معمولاً در حوزه‌هایی که وارد شده‌ام دردناک هستند. به‌طور مثال پروژه قبلی‌ام کشتار مشروطه‌خواهان و آزادی‌خواهان در دوره استبداد صغیر محمدعلی شاه بود و پروژه دیگرم جنگ بود والان هم سرطان. از نظر من اگر در مورد موهاب دردناک بشری حرف می‌زنیم با نشانه حرف بزیم، برای اینکه نشانه‌ها قوی و عمیق در چشم مخاطب بروند باید خشو و زوآند را جمع کنیم.

سه تابلو در این نمایشگاه است که در هر سه ساحل دیده می‌شود. این نشان چیست؟ اساساً لندسکیپ‌ها یا دورنمایی که من از طبیعت گذاشته‌ام سبلیک هستند و در آنها نماد وجود دارد. در تابلوهای من ساحل وجود دارد که اساساً ساحل محیط برزخی است، نه در خشکی هستی نه در آب. این گرفتاری در بیماری سرطان هم وجود دارد. چه‌بسا ساحل جزه کهن الگوهای است که مردم در خواب‌هایشان هم می‌بینند مخصوصاً ساحل دریای شمال خیلی ساحل غمگانه‌ای است.

جایزه انجمن منتقدان ریکوردآلمان

برای «هاونیاز» کیهان کلهر

کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده صاحب‌نام و بین‌المللی کمانچه، برنده جایزه انجمن منتقدان موسیقی ضبط‌شده (ریکورد آلمان Preis der deutschen Schallplattenkritik) یا به انگلیسی (The German Record Critics Award) برای آلبوم «هاونیاز» (Hawniyaz) در دسته «موسیقی فولک/مل» در سال ۲۰۱۶ شده است.



می‌توان شعر محمدعلی سپانلو را دوست داشت یا دوست نداشت. کما اینکه همین‌طور هم هست و عده‌ای شعرهای او را خوش می‌دارند و عده‌ای دیگر نه.

با این همه، تقریباً اجماعی همگانی وجود دارد که سروده بلند «نام تمام مردگان یحیاست» از شعرهای اثرگذار و ماندگار ادبیات معاصر ماست. البته من در این یادداشت کوتاه قصد ندارم به شعر و شاعری سپانلو بپردازم که اساساً هم در دنیای نیست، بلکه می‌خواستم یک یادآوری مختصر کنم به دوستانی که شعر این شاعر را نمی‌پسندند و فراموش می‌کنند که سپانلو شعر «نام تمام مردگان یحیاست» را سروده است و البته منظومه «خانم زمان» را که اصلاً با این منظومه بود که بیشتر به‌عنوان شاعر تهران، مطرح و شناخته شد. از همین جایی توان موضوع اصلی یادداشت را مطرح کرد که یکی دو نکته درباره شخصیت شاعری سپانلوست؛ تهران یک جغرافیاست و به جز سپانلو شاعرانی داشته و دارند که آنها هم زاده همین جغرافیا هستند. مثلاً محمود مشرف‌آزاد تهرانی (م. آزاد)، چرا این شاعران گرد هم نیامدند و محفل و دسته اتفاق بیفتد، شاعری بهتر از سپانلو می‌توانست و گروه تشکیل ندادند و آیا اگر می‌خواستند این اتفاق بیفتد، شاعری بهتر از سپانلو می‌توانست سردمداری آنها را به عهده بگیرد؟ پاسخ این است که به واقع شاید هیچ‌کس به اندازه او شایستگی چنین موقعیتی را نداشت، اما خوشبختانه خودش هیچ‌گاه تن به شکل دادن چنین محافلی نداد که از آنها بوی تعصبات قومی و قبیله‌ای به گوش می‌رسد و رفیق بازی‌هایی بر مبنای همشهری بودن. سپانلو حتی در گفت‌وگوی درازدانی که با او داشتیم و در قالب مجموعه «تاریخ شفاهی ادبیات ایران» منتشر شد، بارها به صراحت مخالفت خود را با این باند‌های جغرافیایی اعلام کرد و حتی نام برد از شاعرانی که

نورا بوسونگ

در شهر کتاب

نورا بوسونگ، نویسنده و شاعر معاصر آلمانی به همراه فلوریان بیگه از انستیتو گوته آلمان در چهارشنبه ۲۶ آبان در مرکز فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب با علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدار درباره وضعیت شعر و مضامین اشعار شاعران جوان آلمان گفت‌وگو شد.



به مناسبت سالروز تولد محمدعلی سپانلو

پوستین پهن نکرد

چندان مایه و پایه شاعرانه‌ای هم ندارند، اما به دلیل وصل بودن به یکی از این حلقه‌ها برای خود اسم و رسمی به هم زده‌اند. البته سپانلو، به‌خصوص در دهه شصت در بسیاری از محافل شعری و جلسات ادبی خانگی حضور می‌یافت. اما این جمع‌ها براساس ادبیات شکل گرفته بود و نه همشهری بودن. آن هم در شرایط جنگ تحمیلی و بمباران‌ها و... که این دیدارها بیشتر برای دلگرمی دادن به هم بود و احساس زنده بودن.

نکته دیگری که در رفتار ادبی سپانلو به‌وضوح می‌شد دیده، این بود که هیچ‌گاه به‌رغم پیشکشوتی، پوستین پهن نکرد که در مقام خطابه و موعظه قرار بگیرد و عده‌ای جوان تر به محضرش بیایند. در واقع، به‌شدت از روایت مرید و مرادی پرهیز داشت. به همین خاطر هم هست که نمی‌بینیم یا نمی‌شنویم که از شاعری یا شاعرانی به‌عنوان شاگردان سپانلو نام برده شود، در حالی که اتفاقاً خیلی‌ها با او مراوده داشتند و از دانش و تجربه ادبی‌اش بهره می‌گرفتند. اما این مراوده، به‌شکلی پایپای بود و نه از موضع بالا به پایین. در واقع، اگر بخواهم درک و دریافت شخصی خودم را از منش و شخصیت او بگویم، می‌توانم در یک کلام بگویم که یک آدم «گردن‌فراز افتاده‌حال» بود. یعنی در عین اینکه بسیار مغرور بود و تن به هر قاعده‌ای نمی‌داد، اما تو به‌عنوان یک جوان، در برابرش احساس نمی‌کردی با شاعر و پژوهشگری طرفی که دانشی عمیق و تجربه زبستی و شاعرانه بسیار وسیعی دارد.

در این مجال اندک، خوش دارم به اشراف او در حوزه ادبیات داستانی هم اشاره کنم که متأسفانه در میان شاعران ما به ندرت دیده می‌شود، کما اینکه در میان داستان‌نویسان ما هم کمتر چهره‌هایی دیده می‌شوند که شناخت جامعی از دنیای شعر داشته باشند. اما سپانلو با اینکه در جهان شاعران به سر می‌برد، با انتخاب‌هایی که از داستان‌های معاصر انجام داد، راه را برای بسیاری از نویسندگان نسل بعد از خودش گشود و مشوق و معرف آنها به جامعه ادبی شد.



محمدعلی سپانلو

حاشیه

جدیدترین طراحی شیشه گران

درواکنش به آلودگی هوا

با نام «تهران در اغما» و نوشته‌ای که در زیر می‌خوانید در اختیار «هنر آنلاین» قرار داده است. «من به‌عنوان یک شهروند تهرانی که هرگز نمی‌تواند بی‌تفاوت از کنار این فاجعه زیست محیطی به سادگی بگذرد، واکنشم را از طریق حرفه‌ام نشان می‌دهم. لذا پوس‌تری در همین ارتباط طراحی کردم تا به‌مناسبت شرایط بسیار نامطلوب هوای تهران و برخی از شهرهای بزرگ ایران انتشار یابد.»

